



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

نقش تئوری در تحقیق سیستم های اطلاعاتی و جنسیت

چکیده: در پاسخ به ادعاهای ناشی از ارزیابی های اخیر در مورد وضعیت جنسیت و پژوهش در مورد نظریه پردازی های ناکافی پیرامون جنس، تجزیه و تحلیل ادبیات انتقادی مقالات پژوهشی در موضوع جنسیت و سیستم های اطلاعاتی که در مجلات بین سال های 1992 و 2012 چاپ شده اند، انجام شده است. در حالی که برخی از تحقیقات انجام شده در مورد جنسیت و سیستم اطلاعاتی، به صراحت به کار گرفته شده و یا نظریه جنسیت را توسعه داده اند، پژوهش های دیگر در مورد جنسیت، ادعا می کنند که هر جنسیتی به وضوح هر نظریه جنسیت را برای تفسیر یافته های تحقیقاتی به کار نگرفته و مورد تاکید قرار نمی دهد و به جای آن، در ذات مطلق جنس به عنوان یک تئوری مورد استفاده قرار می گیرد. مقالات تحقیقاتی در زمینه جنسیت و سیستم اطلاعاتی در مورد نظریه جنسیت که به طور معمول از سیستم اطلاعاتی دیگری استفاده کرده و یا تئوری مدیریت که به عنوان یک ابزار حساس برای تفسیر داده ها می باشد، به صراحت رفتار نمی کنند. با این حال، دیگر مقالات پژوهشی، نظریه های جنسیتی می باشند تا آنجا که برای نظریه پردازی جنسی نه صریح بوده و نه مطلق که در مقالات مشهود می باشد. در تحقیقات جنسیتی و سیستم اطلاعاتی و در همه پژوهش ها، نظریه جنسیت را می توان به عنوان ابزاری برای راهنمایی جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده هایی که با پوزیتیویستی، تفسیری و یا معرفت شناسی انتقادی می باشند، مورد استفاده قرار داد. در روش دیگر، نظریه جنسیت را می توان به عنوان تفسیر یافته ها زمانی مورد استفاده قرار داد که جنسیت یک عاملی باشد که (در حد انتظار و یا به طور غیر منتظره) حاصل از تجزیه و تحلیل های بزرگتر باشد. در نهایت، نظریه جنسیت می تواند نتیجه داشته باشد و به صورت استقرایی، با استفاده از روش های تئوریک و داده های موجود حاصل شود. در هر صورت، استفاده از تئوری با درک پدیده های جنسیتی در قالب سیستم اطلاعاتی (تجزیه و تحلیل و توضیح داد)، ایجاد علیت (پیش بینی) و یا عمل هدایت (طراحی و عمل) هدایت می شوند. این تجزیه و تحلیل

از نقش تئوری در جنسیت و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، توصیه هایی را در مورد رفتار جنسیتی و پیش رفتن تحقیقات ارائه می دهد.

کلمات کلیدی: تنوع، فمینیسم، همجنس‌باز، جنس، تفاوت‌های جنسیتی، برتری جنسیتی، عدم تعادل جنسیتی، جنسیت و نظریه سیستم‌های اطلاعاتی، نظریه جنسیت، نیروی کار سیستم‌های اطلاعاتی، هم‌جنس‌باز، مردانگی، رابطه جنسی، تمایلات جنسی، مشارکت اجتماعی، نظریه، تغییر جنسیت

1. مقدمه:

مقالات در زمینه جنسیت و سیستم های اطلاعاتی (IS)، در مجلات سیستم های اطلاعاتی و به صورت منظم طی 20 سال گذشته چاپ شده است. این مقالات در دو گروه عمده قرار می گیرند. یک گروه از مقالات پژوهشی در رابطه با جنسیت و نیروی کار سیستم های اطلاعاتی (IS) و متمرکز شدن می باشد که به طور معمول تحت نمایندگی زنان در رشته های حرفه ای قرار دارد. دسته دیگر مقالات جنسیت و سیستم های اطلاعاتی بر پذیرش و استفاده از فناوری اطلاعات (IT) تمرکز دارد که به طور معمول برای جستجوی تفاوت های جنسیتی می باشد. در بالاترین سطح می توان گفت که سؤال مدنظر شامل موارد زیر می باشد: (1) چرا حضور زنان به عنوان نیروی کار کمتر می باشد؟ و (2) مواردی است که ما باید در مورد نقش جنسیت در پذیرش و استفاده از دانش فناوری بدانیم؟

مطالعات متعددی در مورد وضعیت جنسیتی و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی منتشر شده است (به عنوان مثال آدام، هاوکرافت و ریچاردسون، 2004؛ آهوجا، 2002؛ گورباچه وا، 2013؛ واسنی، گرینهیل و تراث، 2005؛ تراث، 2011؛ کوزنبری و هوانگ، 2006). یک نتیجه گیری که از این مطالعات ناشی می شود این است که تحقیقات کافی در مورد جنسیت و سیستم های اطلاعاتی منتشر نشده است. ملاحظه دیگری که در نظر گرفته شده است این است که مقدار قابل توجهی از پژوهش های جنسیتی که تا به حال منتشر شده است به اندازه کافی مبتنی بر تئوری نبوده است (آدام و همکاران، 2004؛ واسنی و همکاران، 2005؛ تراث و همکاران، 2006). همانطور که این نقدها مورد اشاره واقع شده اند، به نظر نمی رسد برخی از تحقیقات در مورد جنسیت و

سیستم های اطلاعاتی که در ادبیات منتشر شده اند، با استفاده از هر نظریه جنسیتی بوده باشد. به همین دلیل در مورد مقالات علمی که در مجلات سیستم اطلاعاتی منتشر شده اند، نمی گویند عاری از هر گونه نظریه می باشند. در عوض، می گویند که پدیده های جنسیتی در چنین مقاله هایی، فرضیه نمی باشد.

یکی ممکن است بپرسد چرا این موضوع، وقتی که درگیر جنس و پژوهش می باشد، برای فرض کردن جنسیت مهم است. برای پاسخ، مقاله گرگور (2006) در زمینه نظریه موجود در سیستم های اطلاعاتی را در نظر بگیرید. او، با بحث در مورد نقش تئوری در فهم هر پدیده، کار را آغاز می کند. نظریه، لنزی است که راهنمای جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آن ها می باشد. این، موردی است که آیا تحقیقات پوزیتیویستی، تفسیری و یا انتقادی می باشد. از این رو، نظریه ها عبارتند از:

... موجودیت های انتزاعی که هدف آنها توصیف، توضیح و بالا بردن درک از جهان و در برخی موارد، ارائه پیش بینی های لازم برای آنچه در آینده اتفاقی خواهد افتاد و مبنایی را برای مداخله و اقدام ارائه می دهد (ص 616).

او در ادامه به معرفی انواع نظریه های مورد استفاده در تحقیق سیستم های اطلاعاتی می پردازد: تجزیه و تحلیل، توضیح، پیش بینی، تبیین و پیش بینی و طراحی و عمل. از این رو، در نظریه جنسیت و جنسیت پژوهش سیستم اطلاعاتی، می توان از یک لنز برای راهنمایی جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها استفاده کرد - که آیا با پوزیتیویستی، معرفت شناسی تفسیری و یا انتقادی انجام می شود. روش دیگر، نظریه جنسیت را می توان برای تفسیر یافته ها استفاده کرد، زمانی که جنسیت یک عاملی است که (در حد انتظار و یا به طور غیر منتظره) ناشی از تجزیه و تحلیل بزرگتر می باشد. در نهایت، نظریه جنسیت می تواند در نتیجه، استقرار یافته و با استفاده از تئوری داده های پایه حاصل شود. از این رو، نظریه جنسیتی به سوی درک پدیده های جنسیتی در چارچوب سیستم اطلاعاتی (تجزیه و تحلیل، توضیح)، ایجاد علیت (پیش بینی) و یا عمل هدایت (طراحی و عمل) هدایت می شوند.

در مشاهده این نقش ها که تئوری می تواند در جنسیت و پژوهش سیستم اطلاعاتی نقش بازی کند، آیا در چنین نقش هایی، این پدیده به اندازه کافی مستدل می باشد؟ تراث (2006، 2011) سه شکل مختلف نارسا در مورد نظریه پردازی را در نظر می گیرد. یک شکل، وقتی رخ می دهد که هیچ نظریه جنسیتی در این تحقیق استفاده نشده باشد. این است که، در حالی که برخی از نظریه های دیگر (از جمله در مورد فن آوری و یا رفتار سازمانی) ممکن است به کار گرفته شود که هیچ جنسیتی برای هدایت مفهوم ابعاد جنسیتی پژوهش، برای اطلاع رسانی در زمینه جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها و یا تفسیر نتایج، وجود ندارد. تمرکز، بر جمع آوری و ارائه اطلاعات آماری در مورد موضوعاتی مانند تفاوت بین مردان و زنان با توجه به قبول فن آوری، استفاده و یا تاثیر سازمانی، محدود شده است. این مورد، با عنوان پژوهش قبل از نظری یا تحقیق نظری بیان می شود، به عنوان مثال، فرصت محدودی را برای کار آینده که می تواند آزمایش، رد و یا گسترش یابد، فراهم می کند. دسته دوم نظریه پردازی ناکافی تحقیقات جنسیت و سیستم اطلاعاتی، نظریه هایی را در مورد فن آوری و سازمان ها به کار می گیرد و در حالی که به صراحت نظریه جنسیتی خاص بیان نمی کند اما تفسیر یافته های جنسیتی توسط نظریه مورد استفاده جنسیتی هدایت می شود. این موضوع در پوزیتیویستی و مطالعات کمی شایع تر، می باشد. این نظریه استفاده، اغلب در ذات جنسیت به کار گرفته می شود که وجود اساسی را در نظر گرفته و تفاوت ذاتی بین زنان و مردان که برای مفهوم مشاغل سیستم اطلاعات و استفاده از IT قابل استفاده می باشد را لحاظ می کند.

در حالی که به صراحت برای این موضوع مطلبی بیان نشده است، از این نظریه برای هدایت تفسیر یافته ها در جهت ذات جنسیت استفاده شده است. این شکل از نظریه پردازی ناکافی با عنوان تحقیقات نظری ضمنی نامگذاری شده است. این نظریه پردازی، به دلیل عدم صراحت لنز جنسیت در استفاده از تفسیر داده ها، ناکافی می باشد. از این رو، به بحث کشیدن، به چالش کشیدن و یا ایجاد ادعاهای پژوهشی مشکل ساز می باشد. در نهایت، حتی وجود جنسیت و تحقیقات سیستم اطلاعاتی که به صراحت نظریه جنسیت را به کار می گیرد، نشان می دهد شکافها در تئوری های ناکافی در مورد جنسیت و سیستم های اطلاعاتی، نشأت گرفته از متن سیستم

اطلاعاتی می‌باشد که به طور کامل برای همه روابط مشاهده شده در زمینه فن آوری اطلاعات و سیستم اطلاعاتی به حساب می‌آید. از این رو، این موضوع، با عنوان تحقیقات ناکافی نظری نامیده می‌شود.

در این مقاله از این چارچوب، برای بررسی راه‌هایی که در آن از نظریه جنسیت در تحقیقات منتشر شده جنسیتی و سیستم اطلاعاتی، استفاده می‌کند. در این تجزیه و تحلیل، از «نظریه» در وسیع‌ترین مفهوم خود استفاده می‌شود که نه تنها شامل تئوری‌های ایجاد شده می‌باشد بلکه شامل نظریه‌های ضروری، چارچوب‌های نظری و مدل‌های مفهومی می‌باشد. در حالی که کارهای مشابه، قبلاً انجام شده است، این مقاله از دو جهت با کارهای قبلی متفاوت می‌باشد. اول، بررسی جامع‌تر آن دسته از مقالاتی است که برای مشارکت در سبد محققان ارشد سیستم اطلاعاتی 8 مجله منتشر شده اند. دوم، تمرکز منحصر به فرد بر روی مجلاتی است که استاندارد طلایی ادبیات بایگانی شده را بر اساس آن تحقیقات، ایجاد کرده اند. مقاله به شرح زیرسازماندهی شده است. حوزه مطالعه شامل مقالات مجلات جنسیتی و پژوهش‌های سیستم اطلاعاتی مربوط به موارد زیر می‌باشد: 1) جنسیت و استفاده از IT و 2) جنسیت و نیروی کار سیستم اطلاعاتی. تجزیه و تحلیل، رویکردی را برای تئوری در نظر می‌گیرد که در شواهد این مقالات مجلات نشان داده شده است: بدون نظریه جنسیتی، نظریه جنسیت ضمنی و نظریه جنسیت صریح و روشن. این موضوع با بحث در مورد برخی از مطالعات نمونه که نظریه جنسیت صریح را به کار می‌گیرد، دنبال می‌شود. در نهایت، مفاهیم تحقیق و فعالیت ناشی از نقشی می‌باشد که نظریه جنسیت در پژوهش جنسیت و سیستم اطلاعاتی بازی کرده و توصیه برای پیشرفت کردن را ارائه می‌دهد.

2. روش‌ها

روش به کار گرفته شده در این مقاله با تجزیه و تحلیل متون 20 سال گذشته از مقالات پژوهشی در موضوع جنسیت و سیستم اطلاعاتی بوده که در 15 مجله سیستم‌های اطلاعاتی بین سال‌های 1992 و 2012 چاپ شده است. یک روش مشابه توسط گورباچه و (2013) و تراث و همکاران (2006) استفاده می‌شود. معیار انتخاب، انتشار مقاله در سبد محققان ارشد سیستم اطلاعاتی 8 مجله (یعنی مجله اروپایی سیستم‌های

اطلاعاتی، مجله سیستم‌های اطلاعاتی، تحقیقات سیستم‌های اطلاعاتی، مجله انجمن سیستم‌های اطلاعاتی، مجله فناوری اطلاعاتی، مجله MIS، مجله سیستم‌های اطلاعات استراتژیک و فصلنامه MIS) و یا مجلات دیگر منتشر شده در زمینه تحقیق سیستم‌های اطلاعاتی می‌باشد (پایگاه داده برای پیشرفت در سیستم‌های اطلاعاتی، اطلاعات و مدیریت، اطلاعات و سازمان، مجله مدیریت منابع اطلاعاتی، فناوری اطلاعات و مردم، مجله بین‌المللی فناوری و تعامل انسان، مجله اطلاعات، ارتباطات و اخلاق در جامعه). معیار ورود مقاله، وجود واژه‌های «جنسیت» و یا برخی کلمات معادل (به عنوان مثال زنان، زن) در عنوان، چکیده و / یا کلمات کلیدی می‌باشد.

جستجو در 132 مقاله مجلات، پس از مطالعه و مطابق با کدهای مدنظر، به موضوعات و دسته‌بندی‌های نشان داده شده در جدول 1 تقسیم شده‌اند. «تمرکز» به جنسیت و تحقیقات سیستم‌های اطلاعاتی در مورد استفاده از IT و یا نیروی کار، اشاره دارد. «ارتباط با نظریه جنسیت» و «نوع نظریه پردازی جنسیتی» به بحث نظریه‌پردازی ناکافی جنسیت و تحقیقات سیستم‌های اطلاعاتی مرتبط بوده که قبلاً مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که برخی از تحقیقات در مورد جنسیت و به کارگیری صریح سیستم‌های اطلاعاتی و یا توسعه نظریه جنسیت می‌باشد، پژوهش‌های دیگر در مورد جنسیت ادعا می‌کنند که هیچ نظریه جنسیتی برای تفسیر یافته‌های پژوهشی به کار گرفته نمی‌شود. با این حال، دیگر مقالات پژوهشی در مورد جنسیت در یافته‌های پژوهشی ادعا می‌کنند که منعکس‌کننده جهت‌گیری نظری هرچند به صورت ضمنی می‌باشد. این نوع نظریه‌پردازی جنسیتی، «تئوری مورد استفاده» می‌باشد. مقالات تحقیقاتی در مورد جنسیت و سیستم‌های اطلاعاتی به صراحت، نظریه معمول در مورد جنسیت را با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی دیگر و یا مدیریت و نظریه‌های دیگر (به عنوان مثال مدل پذیرش فناوری) و به عنوان دستگاه حساس برای تفسیر یافته‌های گزارش شده در مقاله به کار می‌برد. مقالات، با توجه به رابطه با نظریه جنسیتی به یکی از مقوله‌های زیر کدگذاری شده است: نظریه جنسیت، نظریه جنسیت و سیستم‌های اطلاعاتی و تئوری جنسیت. این مقالات، تئوری جنسیت / جنسیت و سیستم‌های اطلاعاتی را با نظریه‌پردازی جنسیتی صریح و یا ضمنی و با نام نظریه جنسیت به کار گرفته شده، کدگذاری

می‌کنند. در نهایت، مقاله‌ها، با توجه به نقش فراگیر نظریه جنسیت در این مقاله، کدبندی شده است. آنها بر اساس اینکه کدام نظریه جنسیتی برای هدایت تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرد که موردی است که در مقاله و یا نظریه جنسیت، نتیجه تحقیقات گزارش شده، بوده است.

جدول 1. کدگذاری موضوعات و دسته‌بندی‌ها

Theme	Categories
Focus	IT use vs. IS workforce
Relationship to gender theory	Gender theory, gender & IS theory, gender atheoretical
Type of gender theorizing	Explicit vs. implicit
Name of gender theory	The particular gender theory or gender and IS theory, if one is used in the research
Role of gender theory in the research	Guiding theory vs. resulting theory

3. نتایج

جدول 2، مقالات پیرامون جنسیت را که در طی 20 سال گذشته، در مجلات IS منتشر شده‌اند؛ نشان می‌دهد. جدول 3، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این مقالات جنسیتی را نشان می‌دهد. برخی از این مقالات به صراحت با تئوری‌های جنسیتی در ارتباط می‌باشد. به کارگیری تئوری جنسیت خارج از حوزه سیستم اطلاعاتی (به عنوان مثال؛ مطالعات زنان و جنسیتی و یا جامعه‌شناسی) و به کارگیری صریح نظریه جنسیت از داخل زمینه سیستم اطلاعاتی برای هدایت تحقیقات و یا توسعه صریح تئوری / چارچوب / مدل جنسیت و سیستم اطلاعاتی به عنوان نتیجه پژوهش می‌باشد. گروه دیگری از مقالات، از تئوری دیگری در تحقیقات استفاده می‌کنند (به عنوان مثال مدل پذیرش تکنولوژی، تئوری سرمایه انسانی). گاهی اوقات در این مقاله‌ها، تجزیه و تحلیل جنسیتی به صورت نظری بوده و در مواقع دیگر توسط تئوری مورد استفاده ضمنی، هدایت می‌شوند.

موضوع اول که در ستون 2 نشان داده شده است، تمرکز بر این مقاله می‌باشد: جنسیت و نیروی کار سیستم اطلاعاتی (ISWF) و یا جنسیت و استفاده از IT (استفاده IT). موضوع دوم که در ستون 3 نشان داده شده است، ماهیت نظریه پردازی جنسیتی است که در این مقاله بیان شده است که شامل: نظریه جنسیت، تئوری جنسیت و سیستم اطلاعاتی و یا تئوری جنسیت. ستون 4، تئوری پردازی جنسیتی که در مقاله صورت گرفته است را نشان می‌دهد. در برخی از موارد در این پژوهش، نظریه صریح جنسیتی و یا تئوری جنسیت و سیستم اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است. در موارد دیگر، نظریه هدایت صریح پژوهش، نظریه جنسیتی نمی‌باشد.

در این موارد، نظریه مورد استفاده در جنسیت ضمنی از بحث جنسیت در مقالات، استنباط می شود. ستون 5 نام تئوری/ چارچوب / مدل جنسیت که در این مقاله به نظر می رسد را فراهم می کند. در نهایت، ستون 6 نشان می دهد که کدام نظریه جنسیتی برای راهنمای تحقیقات و یا نتیجه تحقیقات مورد استفاده قرار می گیرد.

جدول 2. مقالات پژوهشی درباره جنسیت که توسط مجلات از سال 1992-2012 منتشر شده است.

Journal	Authors
Database	Blodgett, Xu, and Trauth (2007), Gallivan (2004), Gefen and Ridings (2005), Goethals, Carugati, and Leclercq (2009), Joshi and Schmidt (2006), Katz, Allbritton, Aronis, Wilson, and Soffa (2006), Kuhn and Joshi (2009), Kvasny (2006), Riemenschneider et al. (2006), Sangran, Signaw, and Guan (2009), Simon (2001), Tapia (2006), Trauth et al. (2008)
EJIS	Adam et al. (2006), Ahuja (2002), Gallivan and Benbunan-Fich (2007a), Greenhill and Wilson (2006), Light (2007), McCoy, Galletta, and King (2007), Pantelli, Stack, Atkinson, and Ransay (1999), Payton and Kivanuka-Tondo (2009), Phang, Kankanhalli, Rama krishnan, and Raman (2010), Ranganathan, Seo, and Bahad (2006), Reid, Allen, Armstrong, and Riemenschneider (2010), Taylor (2004), Trauth et al. (2009)
I & M	Al-Gahtani, Hubona, and Wang (2007), Armstrong et al. (2007), Belanger (1999), Fletcher and Light (2007), Ha, Yoon, and Choi (2007), Howav and D'Arcy (2012), Im, Kim, and Han (2008), Janviri and Morrison (2000), Lai and Chen (1995), Lai and Li (2005), Lee and Kozar (2009), Lu, Yu, and Liu (2003), Martinsons and Cheung (2001), Mitchell, Klein, and Balkoun (1996), Munro, Huff, Marcin, and Compeau (1997), Palvia and Palvia (1999), Saeed and Abdinnour-Helm (2008), Sanchez-Franco, Ramos, and Velicia (2009), Tan and Igharia (1994), Van Iwaarden, van der Wiele, Ball, and Millen (2004)
I & O	Adam (2001), Alvarez (2002), Avery and Baker (2002), Richardson and Howcroft (2006)
IJTH	Aswal (2012), Dundop (2007), Kvasny et al. (2005)
IRMAJ	Al-Gahtani (2008), Dattero, Galup, and Quan (2005), Goeke, Hogue, and Faley (2010), Hie, Van Slyke, Green, and Lou (2005), Quesenberry et al. (2006)
ISJ	Clayton et al. (2012), Harvey (1997), Howcroft and Trauth (2008), Panelli (2012), Quesenberry and Trauth (2012), Ridley and Young (2012), Robertson, Newell, Swan, Mathiasen, and Bjerknes (2001)
ISR	Duxbury, Higgins, and Mills (1992), Gattiker and Kelley (1999), Ragu-Nathan, Tarafdar, Ragu-Nathan, and Tu (2008)
IT&P	Adya and Kaiser (2005), Baker, Al-Gahtani, and Hubona (2007), Ball, Daniel, and Sride (2012), Berg, Mörberg, and Jansson (2005), Crossfield, McLeod, and Simkin (2011), Gallivan and Benbunan-Fich (2007b), Guzman and Stanton (2009), Habib and Cornford (2002), Harris and Wilkinson (2004), Igharia and Chidambaram (1997), Joshi and Kuhn (2007), Lang (2012), Leimeister, Schweitzer, Leimeister, and Krcmar (2008), Light et al. (2008), Middleton and Chambers (2010), Richardson (2009), Timms, Lankshear, Anderson, and Courtney (2008), Trauth (2002), Trauth and Howcroft (2006), Wilson (2002), Woodfield (2002)
JAS	Leonard and Cronan (2001)
JICES	Björkman (2005), Caputo (2008), Cornelissen (2005), Gumbus and Grodzinsky (2004), Lucas and Mason (2008), Kvasny et al. (2009), Naivini (2009), Oleksy, Just, and Zapędowska-Kling (2012), Pace, Houssian, and McArthur (2009), Shirazi (2010), Weber (2005), Winker (2005)
JIT	Adam (2002), Ican and Naktiyok (2005), Kim and Han (2009), Shen, Lee, Cheung, and Chen (2010), Škerlavaj et al. (2010), Wilson (2004)
JMS	Awad and Ragowsky (2008), Baroudi and Igharia (1995), Brown, Dennis, and Venkatesh (2010), Chai, Das, and Rao (2011-12), He, Butler, and King (2007), Hess, Fuller, and Mathew (2005-6), Maruping and Magni (2012), Nunamaker, Derrick, Elkins, Burgoon, and Patton (2011), Smits, McLean, and Tanner (1992), Watal, Racherla, and Mandviwalla (2010), Zahedi, Pelt, and Srite (2006)
JSS	Gupta, Dasgupta, and Gupta (2008)
MISQ	Ahuja and Thatcher (2005), Ahuja, Chadoba, Kacmar, McKnight, and George (2007), Gefen and Straub (1997), Igharia and Baroudi (1995), McElroy, Hendricks, Townsend, and Demarie (2007), Moores and Chang (2006), Riedl (2010), Srite and Karahanna (2006), Truman and Baroudi (1994), Venkatesh and Morris (2000), Venkatesh, Thong, and Xu (2012), Webster and Martocchio (1992)

جدول 3. مقالات پژوهشی درباره جنسیت و سیستم‌های اطلاعاتی با تمرکز بر روی نظریه‌ی جنسیت

Author	Focus of gender research	Relationship to gender theory	Type of gender theorizing	Name of gender theory	Role of gender theory
Aawal (2012)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Adam (2001)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist theory	Guiding
Adam (2002)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist theory	Guiding
Adam et al. (2006)	ISWF	Gender theory	Explicit	Critical feminism	Guiding
Adya and Kaiser (2005)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	IT career choice model	Resulting
Ahuja (2002)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Model of barriers to women in IT	Resulting
Ahuja et al. (2007)	ISWF	Gender atheoretical			
Ahuja and Thatcher (2005)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender schema theory	Guiding
Al-Gahtani (2008)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Al-Gahtani et al. (2007)	IT use	Gender atheoretical			
Alvarez (2002)	ISWF	Gender theory	Implicit	Within-gender variation	Resulting
Armstrong et al. (2007)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Model of women's cognitions about work-family conflict	Resulting
Avery and Baker (2002)	IT use	Gender theory	Implicit	Within-gender variation	Resulting
Awad and Rogovsky (2008)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Baker et al. (2007)	IT use	Gender theory gender	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Ball et al. (2012)	IT use	Gender theory	Explicit	Social construction of gender essentialism	Guiding
Baroudi and Igarlia (1995)	ISWF	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Belanger (1999)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Berg et al. (2005)	IT use	Gender & IS theory	Implicit	Within-gender variation	Resulting
Björkman (2005)	ISWF	Gender theory	Explicit	Feminism	Guiding
Blodgett et al. (2007)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender intersectionality theory	Guiding
Brown et al. (2010)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Capurro (2008)	IT use	Gender atheoretical			
Chai et al. (2011-12)	IT use	Gender theory	Explicit	Social role theory	Guiding
Clayton et al. (2012)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	IT career choice model	Guiding
Cornelissen (2005)	ISWF	Gender theory	Explicit	Social shaping of gender	Guiding
Crosdell et al. (2011)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Theory of reasoned action applied to gender	Resulting
Dattero et al. (2005)	ISWF	Gender atheoretical			
Dunlop (2007)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender hegemony	Guiding
Duxbury et al. (1992)	IT use	Gender theory	Explicit	Half's and Karasek's work-strain theories	Guiding
Fletcher and Light (2007)	IT use	Gender theory	Explicit	Sexuality and IS	Resulting
Gallivan (2004)	ISWF	Gender theory	Explicit	Model of barriers to women in IT	Guiding
Gallivan and Benburan-Rich (2007a)	ISWF	Gender atheoretical			
Gallivan and Benburan-Rich (2007b)	ISWF	Gender atheoretical			
Gattiker and Kelley (1999)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Gefen and Ridings (2005)	IT use	Gender theory	Explicit	Social construction of gendered communication	Guiding
Gefen and Straub (1997)	IT use	Gender atheoretical			
Goeke et al. (2010)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Goethals et al. (2009)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender essentialism	Guiding
Greenhill and Wilson (2006)	IT use	Gender theory	Explicit	Marxist feminist theory	Guiding
Gumbus and Grodzinsky (2004)	ISWF	Gender atheoretical			
Gupta et al. (2008)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Guzman and Stanton (2009)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Occupational culture including gender	Resulting
Ha et al. (2007)	IT use	Gender atheoretical			
Hahib and Cornford (2002)	IT use	Gender theory	Explicit	Domestication theory	Guiding
Harris and Wilkinson (2004)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Social shaping of gender & technology	Guiding
Harvey (1997)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Social construction of gendered technology	Guiding

جدول 3 (ادامه)

Author	Focus of gender research	Relationship to gender theory	Type of gender theorizing	Name of gender theory	Role of gender theory
He et al. (2007)	ISWF	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Hess et al. (2005-6)	IT use	Gender theory	Explicit	Selectivity Model	Guiding
Hovav and D'Arcy (2012)	IT use	Gender atheoretical			
Howcroft and Trauth (2008)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Guiding
Igbaria and Baroudi (1995)	ISWF	Gender theory	Explicit	Gender bias in job performance assessment	Guiding
Igbaria and Chidambaram (1997)	ISWF	Gender theory	Explicit	Gender in human capital theory	Guiding
Ilie et al. (2005)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Im et al. (2008)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Iscan and Naktiyok (2005)	IT use	Gender theory	Explicit	Socially constructed gender essentialism	Guiding
Janvri and Morrison (2000)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Joshi and Kuhn (2007)	ISWF	Gender theory	Explicit	Social construction of gender roles	Guiding
Joshi and Schmidt (2006)	ISWF	Gender theory	Explicit	Gender role theory	Guiding
Katz et al. (2006)	ISWF	Gender atheoretical			
Kim and Han (2009)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Kuhn and Joshi (2009)	ISWF	Gender theory	Explicit	Social construction of gender roles	Guiding
Kvasny (2006)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist standpoint theory	Guiding
Kvasny et al. (2005)	IT WF	Gender theory	Explicit	Feminist standpoint theory	Guiding
Kvasny et al. (2009)	IS WF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Guiding
Lai and Chen (1995)	ISWF	Gender atheoretical			
Lai and Li (2005)	IT use	Gender atheoretical			
Lang (2012)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Socio-cultural construction of gender norms	Guiding
Lee and Kozar (2009)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Leimeister et al. (2008)	IT use	Gender atheoretical			
Leonard and Cronan (2001)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Light (2007)	IT use	Gender theory	Explicit	Hegemonic masculinity studies	Guiding
Light et al. (2008)	IT use	Gender theory	Explicit	Hegemonic masculinity theory	Guiding
Lu et al. (2003)	IT use	Gender atheoretical			
Lucas and Mason (2008)	ISWF	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Martinsons and Cheung (2001)	ISWF	Gender atheoretical			
Maruping and Magni (2012)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
McCoy et al. (2007)	IT use	Gender theory	Explicit	Holstede's gender essentialism	Guiding
McElroy et al. (2007)	IT use	Gender atheoretical			
Middleton and Chambers (2010)	IT use	Gender & IS theory	Implicit	Gender intersectionality	Resulting
Mitchell et al. (1996)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Moore and Chang (2006)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender socialization theory	Guiding
Munro et al. (1997)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Nalvini (2009)	IT use	Gender theory	Explicit	Model of gendered telecenter's use	Resulting
Nunamaker et al. (2011)	IT use	Gender atheoretical			
Oleksy et al. (2012)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminism	Guiding
Pace et al. (2009)	IT use	Gender theory	Explicit	Sexual Dimorphism	Guiding
Palvia and Palvia (1999)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Pantelli (2012)	ISWF	Gender theory	Explicit	Community of women returning to IS work	Resulting
Pantelli et al. (1999)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Gender occupational segregation in IT industry	Resulting
Payton and Kiwanuka-Tondo (2009)	IT use	Gender atheoretical			
Phang et al. (2010)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Quesenberry and Trauth (2012)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT (Trauth)	Guiding
Quesenberry et al. (2006)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT (Trauth)	Guiding

جدول 3 (ادامه)

Author	Focus of gender research	Relationship to gender theory	Type of gender theorizing	Name of gender theory	Role of gender theory
Ragu-Nathan et al. (2008)	IT use	Gender & IS theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Ranganathan et al. (2006)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Reid et al. (2010)	ISWF	Gender theory	Explicit	Critical feminist theory	Guiding
Richardson (2009)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist theory	Guiding
Richardson and Howcroft (2006)	IT use	Gender theory	Implicit	Within-gender variation	Resulting
Ridley and Young (2012)	ISWF	Gender theory, gender & IS theory	Explicit	Gender essentialism, social shaping of gender, individual differences theory of gender & IT	Guiding
Riedl (2010)	IT use	Gender theory	Explicit	Biological gender essentialism	Guiding
Riemenschneider et al. (2006)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Model of women's voluntary IT turnover & workplace barriers	Resulting
Robertson et al. (2001)	ISWF	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Saeed and Abdinnour-Helm (2008)	IT use	Gender atheoretical			
Sanchez-Franco et al. (2009)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Sangran et al. (2009)	IT use	Gender theory	Explicit	Hofstede's gender essentialism	Guiding
Shen et al. (2010)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender essentialism	Guiding
Shirazi (2010)	IT use	Gender atheoretical			
Simon (2001)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender essentialism	Guiding
Škerlavaj et al. (2010)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Smits et al. (1992)	ISWF	Gender atheoretical			
Srite and Karahanna (2006)	IT use	Gender theory	Explicit	Hofstede's gender essentialism	Guiding
Tan and Igharia (1994)	ISWF	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Tapia (2006)	ISWF	Gender theory	Explicit	Social construction of gender	Guiding
Taylor (2004)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Timms et al. (2008)	ISWF	Gender theory	Explicit	Model of factors influencing female participation in ICT	Guiding
Trauth (2002)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Resulting
Trauth and Howcroft (2006)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Guiding
Trauth et al. (2009)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Guiding
Trauth et al. (2008)	ISWF	Gender & IS theory	Explicit	Individual differences theory of gender and IT	Guiding
Truman and Baroudi (1994)	ISWF	Gender atheoretical			
Van Iwaarden et al. (2004)	IT use	Gender atheoretical			
Venkatesh and Morris (2000)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Venkatesh et al. (2012)	IT use	Gender theory	Implicit	Essentialism	Guiding
Wattal et al. (2010)	IT use	Gender theory	Implicit	Gender essentialism	Guiding
Weber (2005)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist critique of technology	Guiding
Webster and Martocchio (1992)	IT use	Gender atheoretical			
Wilson (2002)	IT use	Gender theory	Explicit	Feminist theory of organizational behavior	Guiding
Wilson (2004)	IT use	Gender & IT theory	Explicit	Critical framework of gender, IS and organization	Guiding
Winker (2005)	IT use	Gender theory	Explicit	Gender intersectionality	Guiding
Woodfield (2002)	ISWF	Gender theory	Explicit	Social shaping of gender	Guiding
Zahedi et al. (2006)	IT use	Gender theory	Explicit	Hofstede's gender essentialism	Guiding

نظریه های جنسیتی که به عنوان شواهد در این مقالات استفاده می شوند در سه گروه عمده قرار می گیرند: ذات جنسیت، شکل دادن اجتماعی جنسیت و باور جنسیت. اصل ذات جنس، فرض جفت جنسیتی و آمیختن نوع و جنسیت را در بر می گیرد: مرد (مذکر) زن (مونث). واگمن (1991) اصل ادعای ثابت و مخالف طبیعت زن و مرد را توضیح می دهد. تراث (2002، صفحه 100) اصل را به عنوان تلاش برای نسبت دادن رفتارهای مردان و زنان ذات آن ها در سطح گروه و عوامل زیستی روانی توضیح می دهد. نظریه پردازی ذات جنسیت به طور معمول در تحقیقاتی که در مورد برابر بودن «تحقیقات جنسیت» با «پژوهش تفاوت های جنسیتی» می باشد، یافت می شود. با در نظر گرفتن تمرکز چنین تحقیقاتی در جستجو برای تفاوت های جنسیتی، اصل

جنسیت با فرض تفاوت ذاتی بین زن و مرد، و پس از آن، جهت گیری نظری سازگار را فراهم می کند. وقتی ذات جنسیت در تحقیقات جنسیت و سیستم اطلاعاتی به کار گرفته می شود، تفاوت های مشاهده شده در رفتار مردان و زنان به آنچه که به صورت تفاوت های ذاتی، ثابت و تغییر ناپذیر در بین تمام مردان به عنوان یک گروه و تمام زنان به عنوان یک گروه تصور می شود، نسبت داده شده و با این تفاوت، فرض بر توجه به منابع زیستی یا روانشناختی می باشد.

به گونه ای که در بالا توضیح داده شد، توضیح معمول برای نظریه پردازی ذاتی جنسیتی بوده و یکی دیگر از رشته های ذات جنسیت، به عنوان شواهد در تحقیقات جنسیت و سیستم اطلاعاتی می باشد. در واقع در جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی، شکل دادن اجتماعی جنسیت را می توان به عنوان شکل دیگری از ذات جنسیتی در نظر گرفت. این نوع از نظریه پردازی ذاتی جنسیتی، فرضیه ثبات و تفاوت های زیستی روانی ذاتی را رد می کند. در عوض، این نظریه ذات جنسیتی از مفهوم جامعه شناختی «ساخت اجتماعی» (برگر و لاکمن، 1996) و یا «شکل دهی اجتماعی» جنسیت و نقش جنسیت سرچشمه می گیرد (بم، 1981؛ ایگلی، وود و دیکمن، 2000). از این رو، تفاوت های جنسیت مشاهده شده به شکل گیری اجتماعی و ساخت اجتماعی جنسیت و نقش جنسیت منجر شده که در جامعه توسط همه زنان و به یک شیوه نسبت داده می شود. این است که همه زنان در جامعه را می توان با عوامل شکل گیری اجتماعی مشابه، با تجربه فرض کرد (تراث، 2002، صفحه 101). با این حال، در حالی که علل، متفاوت می باشد اما هر دو نوع نظریه پردازی جنسیتی، مردان را به عنوان یک گروه واحد و زنان را به عنوان یک گروه واحد در نظر می گیرد.

در روش دیگر، گروه سوم نظریه پردازی جنسیتی می باشد که مبتنی بر جفت بودن جنسیت نمی باشد. در عوض، دانش این نوع نظریه پردازی جنسیتی به انواع عوامل موثر بر روابط جنسیتی دلالت دارد. این نوع از نظریه پردازی جنسیتی در باور جنسیتی و تئوری های اقلیت جنسیتی بیان شده است. در برابر اصل عضویت در گروه ثابت که در ذات بیان شد، به باور جنسیتی و تئوری های اقلیت جنسیت، نکات دقیق و ظریف را بیان کرده و تنوع گروه جنسیت را با در نظر گرفتن جنس بیولوژیکی در رابطه با دیگر ویژگی های برجسته هویت، مشخص

می کند مانند: هویت جنسی، گرایش جنسی، نژاد و یا قومیت. علاوه بر این، باور جنسیتی و نظریه های اقلیت جنسیتی با «تحقیقات جنسیتی» و «تحقیق تفاوت های جنسی» برابر نمی باشد. از این رو، تحقیقات جنسیت و سیستم اطلاعاتی، ممکن است با استفاده از یک نظریه باور جنسیت و یا تئوری اقلیت جنسیت، بر درک بهتر زنان سیاه و یا مردان همجنس گرا و یا افرادی که تغییر جنسیت داده اند و با استفاده از IT و یا تخصص های سیستم های اطلاعاتی مرتبط می باشند، تمرکز دارد.

برخی از نظریه های باور در تحقیقات جنسیت و سیستم اطلاعاتی بیان شده که از تحقیقات رشته های دیگر مانند مطالعات فمینیستی، مطالعات نژادی انتقادی و مطالعات مردانگی نشات می گیرد. نظریه دیدگاه فمینیستی (هاروی، 1988، هاردینگ، 2004؛ هارتساک، 1997) در دهه 1970 و به عنوان یک نظریه انتقادی در مورد روابط بین تولید دانش و اعمال قدرت پدید آمده است. تا جایی که این نظریه، روشی را برای نظریه پردازی پیچیدگی های مفهوم زندگی، تجربیات و دیدگاه های زنان بیان کرده و فمینیست ها از آن، برای تجزیه و تحلیل راه های زندگی روزانه زنان از طریق به هم پیوسته شدن روابط قدرت مانند مرد محوری، اروپامحوری، استعمار و نظام طبقاتی، استفاده می شود (آنزالدوا، 1999؛ هوکس، 1981). یک مثال از نظریه پردازی اقلیت جنسیت را می توان در کار کانل (1987، 2005) و هالبرستام (1998) یافت می شود.

همچنین در زمینه سیستم های اطلاعاتی، یک مجموعه از ادبیات تحقیقی وجود دارد که نظریه هایی را تحت عنوان استفاده از فناوری اطلاعات و یا تخصص سیستم های اطلاعاتی در مورد باور جنسیتی و اقلیت و یا جنسیت های به حاشیه رانده شده، تولید می کند. یک نمونه از نظریه پردازی باور جنسیتی، مدل انتخاب حرفه ای فناوری اطلاعات توسط آدیا و کایسر (2005) می باشد (عوامل ساختاری، تنظیمات اجتماعی، فرهنگ قومی). یک مثال از نظریه پردازی اقلیت جنسیت، کار بر روی مردانگی به حاشیه رانده شده توسط لایت، فلچر و آدام (2008) می باشد.

تعدادی از یافته های مهم از بررسی نقش تئوری در پژوهش بر روی سیستم های اطلاعاتی و جنسیتی پدید آمده است. یکی از آنها، وجود مقالات پژوهشی می باشد که در مورد جنسیت (که به موجب این، در عنوان،

چکیده و یا کلمات کلیدی ظاهر می شود) بوده، اما شامل مواجهه با تئوری جنسیت در مقالات نمی باشد. تعداد کمی از این مقالات نظری جنسیتی در مورد نیروی کار سیستم اطلاعاتی می باشد. این مقالات به طور معمول، به بررسی داده هایی در مورد عدم تعادل جنسیتی در تخصص سیستم اطلاعاتی پرداخته اما نظریه جنسیت را برای تفسیر داده ها به کار نمی گیرد. با این حال، اکثریت قریب به اتفاق این مقالات، از مطالعات مورد استفاده از IT بهره گرفته که در آن از جنسیت، میان متغیرهای موجود در برخی از مدل ها و یا نظریه های مرتبط با IT استفاده می کند. اما هرگز از نظریه های جنسی از خارج و یا داخل حوزه سیستم اطلاعاتی برای تفسیر و تولید دانش جدید از داده هایی که ناشی از این مطالعات می باشد، استفاده نمی شود. یافته مهم دیگر، از این موضوع پیروی می کند. آنچه که به نظر می رسد، در حالت سطحی، تحقیقات نظری جنسیت صورت گرفته که اغلب، پس از آزمایشات حیاتی در زمینه نظریه پردازی ضمنی جنسیت، ذات جنسیت مدنظر می باشد. این مطالعات از جفت بودن جنسیت برای طبقه بندی پاسخ دهندگان و به کار بردن ذات جنسیت برای تفسیر پاسخها، استفاده کرده است. از این رو، یافته های این پژوهش در مورد تفاوت جنسیتی، به طور ضمنی به ذات جنسیت به عنوان یک دلیل، دلالت دارد. سومین یافته مهم از بررسی نظریه در جنسیت و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، کمبود ناشی از دانش نظری در مورد جنسیت در حوزه سیستم اطلاعاتی می باشد. در عین حال، بررسی انتقادی ادبیات مرتبط با جنسیت و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، شواهدی از پیشرفت را ارائه می دهد. در ادامه و برای یادآوری نکات برجسته این بخش در مورد برخی از پروژه های جنسیت و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، به عنوان نمونه ای از نظریه پردازی صریح و روشن در مورد تحقیقات جنسیت و سیستم های اطلاعاتی مدنظر قرار می گیرد.

برخی از تحقیقات جنسیت و سیستم های اطلاعاتی، تئوری های جنسیت را از زمینه هایی مانند فمینیسم، جامعه شناسی و روانشناسی را وارد کرده و به مطالعه جنسیت و استفاده از IT و جنسیت در نیروی کار سیستم های اطلاعاتی می پردازد. آدام (2001) نشان داد که چگونه تئوری فمینیستی می تواند مطالعات اخلاقی در زمینه استفاده از IT را با ایجاد راه هایی در موضوعاتی مانند برابری و مشارکت در نظر گرفته و برای

ارتقاء مورد استفاده قرار داد. واسنی (2006) از تئوری دیدگاه فمینیستی در مطالعه خود در مورد نظر زنان آمریکایی آفریقایی تبار در استفاده از فن آوری اطلاعات، استفاده کرد. چنین نظریه ای، توجه خود را بر فهم یک پدیده از دیدگاه دانش و تجربیات زندگی افراد به حاشیه رانده شده، متمرکز کرده است. چنین رویکردی به استفاده از این رویکرد در مقایسه با دیدگاه های مدیریتی در استفاده از IT تاکید دارد. گرینهیل و ویلسون (2004) در بررسی انتقادی خود در زمینه دورکاری و مفاهیم جنسیتی، تئوری مارکسیستی و فمینیستی را با هم ترکیب می کنند. انجام این کار، آنها را قادر می سازد هزینه مزایای کارهای مرتبط با تکنولوژی از نظر یک کارمند را در نظر بگیرند. تاپیا (2006) تئوری ساخت اجتماعی جنسیت در مطالعات موردی در مورد زنان شاغل در شرکت های با تکنولوژی بالا و در دوران dot.com راه اندازی کرده است. یافته های او نشان داد که در آغاز هزاره جدید، نگرش عمیق ضد زن توسط کارآفرینان فناوری اطلاعات ایجاد شده است. همچنین جوشی و د اشمیت (2006)، ساختار اجتماعی نمونه های جنسیتی را در زمینه فناوری اطلاعات و به منظور کشف تفاوت های موجود، به کار گرفتند که در زمینه علم کامپیوتر در مقابل زمینه سیستم های اطلاعات، توسط دانش آموزان دختر و پسر استفاده شده بود. در نهایت، لایت (2007) و لایت و همکاران (2008) نشان داده اند که چگونه تحقیق بر روی جنسیت و استفاده از IT می تواند فراتر از مشاهدات در زمینه تفاوت های زن و مرد در استفاده از تکنولوژی، صورت گیرد. طراحی بر اساس مطالعات مردانگی کسانی که بر تئوری مردانگی مسلط بودند، باعث بروز دادن گروهی از کاربران IT شدند که به موجب مردانگی به حاشیه رانده شده خود، پیش از این در تحقیقات سیستم های اطلاعاتی نامرئی بودند.

در دهه گذشته علاوه بر نظریه های جنسیتی که از سایر زمینه ها وارد شده بود، شاهد ظهور مدل های جنسیتی و نظریات در حال ظهور از درون زمینه ای بودیم که با اتکا به یکدیگر و برای ایجاد مجموعه ای از دانش نظری تجمعی به خصوص در زمینه جنسیت و نیروی کار سیستم اطلاعاتی، کنار هم قرار گرفته بودند. در سال 2002 اهوچا (2002) مقاله ای را منتشر کرد که برای انتشار ادبیات تحقیق جنسیت به عنوان مبنای یک مدل موانع زنان در زمینه سیستم اطلاعاتی، مورد استفاده قرار گرفته بود. بر اساس این مدل، دو مجموعه عوامل

- اجتماعی و ساختاری - با نفوذ در انتخاب حرفه در سیستم اطلاعاتی، تداوم شغلی در سیستم اطلاعاتی و پیشرفت شغلی در سیستم اطلاعاتی ترکیب می شوند. عوامل اجتماعی عبارتند از: انتظارات اجتماعی که مربوط به نقش های جنسیتی بوده، تعارض کار - خانواده؛ استرس ناشی از ناسازگاری بین خواسته های کار و خانواده؛ و شبکه های غیررسمی که فرصت های اجتماعی کردن فرهنگ سازمانی ایجاد می شود - و گاهی اوقات به عنوان «باشگاه قدیمی پسر» در نظر گرفته می شود. عوامل ساختاری عبارتند از: فرهنگ شغلی محاسبات که منعکس کننده ارزش های کلیشه ای مردانه بوده، فقدان سرمشق که شواهدی ارائه می کند تا شغلی موفق در زمینه سیستم های اطلاعاتی برای زنان هم ممکن باشد؛ و نظارت که برای پیشرفت شغلی، حیاتی می باشد.

پس از آن، گالیوان (2004) مدل اهوچا (2002) که در زمینه موانع زنان در سیستم های اطلاعاتی بود را در تحقیقات خود در مورد انطباق تخصصی سیستم اطلاعاتی با تغییر تکنولوژی به کار گرفت. به طور خاص، او بر این بحث خود متمرکز شد که نفوذ عوامل اجتماعی و ساختاری نه تنها انتخاب اولیه شغلی بوده، بلکه به طور مداوم زندگی حرفه ای و پیشرفت حرفه ای را به دنبال دارد. این موضوع به دخالت خود در زمینه جنسیتی در یک چارچوب مفهومی شد که تاثیر ویژگی های شخصی را تعیین کرده (تحمل ابهام و آماده بودن برای کسب تجربه) و جنسیت در تطبیق با تغییرات تکنولوژیکی در بخش سیستم اطلاعاتی را مشخص نموده است. مدل اهوچا او را به این فرضیه رساند که «جنسیت با مهارت های فنی متخصصان IT مرتبط بوده، با زنان و مردانی که پایین ترین سطوح مهارت های فنی برای آن ها نسبت داده می شوند (ص 33)». داده های او، این فرضیه را پشتیبانی می کند.

در همین حال، تراث (2002) داده های خود را از مصاحبه با زنان شاغل متخصص در استرالیا و نیوزیلند برای ایجاد نمونه ای از یک نظریه جنسیتی به دست آورد که برای توضیح اینکه چرا برخی از زنان در مواجهه با موانع ساختاری و اجتماعی و در ورود و باقی ماندن در زمینه سیستم های اطلاعاتی، موفق می باشند، تلاش کرد. این تئوری، این کار را با تمرکز بر تنوع درونی جنسیت در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در این زمینه، صورت داد. نظریه تفاوت های فردی جنسیت و IT، شامل سه موجودیت می باشد: هویت فردی (به عنوان مثال قومیت،

سن، وضعیت تأهل)؛ تأثیرات فردی (به عنوان مثال شخصیت، منافع، مدل، نقش، مربیان) و در تأثیرات محیطی (مانند ملی، منطقه ای و سازمانی فرهنگ). این نظریه برای هدایت تحقیقات بعدی او مورد استفاده قرار گرفت (تراث و هاوکرافت، 2008؛ واسنی، تراث و مورگان، 2009؛ کوزنبری و تراث، 2012؛ کوزنبری، تراث و مورگان، 2006؛ تراث و هاوکرافت، 2006؛ تراث و همکاران، 2009، 2008). سپس ریدلی و یانگ (2012)، این نظریه را به همراه دو نظریه خارجی جنسیت در زمینه سیستم اطلاعاتی به کار گرفتند (ذات جنسیتی و ساخت اجتماعی جنسیت) و با تلاش خود، شکاف جنسیتی IT در استرالیا را از طریق تجزیه و تحلیل محتوای مقالات مرتبط با جنسیت و IT که در یک روزنامه ملی منتشر شده بود، توضیح دادند.

آدیا و کایسر (2005) بر پایه نظریه بیان شده توسط اهوگا (2002)، مدل انتخاب شغل سیستم اطلاعاتی توسط زنان جوان را ایجاد کرد. آن ها با یکسان ساختن ادبیات آموزش، روانشناسی، جامعه شناسی، علوم کامپیوتر، فن آوری اطلاعات و کسب و کار، مدل اهوگا در زمینه زنان جوان را اقتباس کردند. در مدل آن ها، عوامل اجتماعی در دو مرحله عمل می کنند. اول، سه عامل اجتماعی - خانواده (تحقیقات نشان می دهد که پدر و مادر و خواهر و برادر اعمال نفوذ مستقیم و غیر مستقیم قابل توجهی در انتخاب حرفه دارند)، گروه همسالان (در دوران بلوغ هم نشان داده شده است که اعمال نفوذ قابل توجهی میان زنان خودپندار، اعتماد به نفس و جهت گیری هدف خارجی صورت می دهند) و رسانه (رسانه چاپی و الکترونیکی که تقویت کلیشه های جنسیتی را نشان می دهد و به جای انتخاب حرفه ای، بر تصویر فیزیکی تاکید دارد) - در عمل قرار دارند. این مورد، به نوبه خود بر دو عامل دیگر اجتماعی اثر دارد: مدل های نقش (که از خانواده و همسالان و هم چنین عامل ساختاری، معلمان / مشاوران نشأت می گیرد)؛ و کلیشه های جنسیتی (که از عوامل اجتماعی - همسالان و رسانه - و عوامل ساختاری - معلمان / مشاوران نشأت می گیرد). عوامل ساختاری که اقتباس شده اند در دو مرحله اجرا می شوند. این عوامل در این مدل عبارتند از: معلمان / مشاوران (نفوذ مثبت و منفی آن ها با توجه به انتخاب حرفه ای سیستم اطلاعاتی زن، نشان داده شده است)، دسترسی مدرسه به فن آوری (این عامل توسط متخصصان زن سیستم های اطلاعاتی به عنوان یک دلیل برجسته برای علاقه خود به این زمینه مورد توجه قرار

می گیرد)، دسترسی شخصی به فن آوری (مالکیت و دسترسی به فن آوری در خانه که تقسیم به همراه جنسیت و خطوط اقتصادی را نشان می دهد) و آموزش هم جنس (نظرات با توجه به منافع مدارس تفکیک جنسیتی برای انگیزش زنان به دنبال کردن مشاغل غیر سنتی جنسیتی، تقسیم می شوند). این عوامل ساختاری (به خصوص دسترسی مدرسه و دسترسی شخصی)، به نوبه خود، بر عوامل ساختاری نهایی اثرگذار می باشد: منابع فن آوری. در این مدل، عوامل اجتماعی و ساختاری توسط دو ویژگی اضافی - تفاوت های فردی و فرهنگ قومی - اجرا می شوند که طبق مفهوم تراث در مورد تنوع جنسیت و با توجه به عواملی چون ویژگی های شخصیتی، نژاد و تأثیرات فرهنگی ترسیم می شوند.

سپس کلیتون، بیک هویزن و نیلسن (2012)، براساس کار نظری آدیا و کایسر (2005)، یک مدل از عوامل را ارائه داد که علاقه و انگیزه دختران دبیرستان را تحت تاثیر قرار داده و انگیزه ای برای زندگی حرفه ای سیستم های اطلاعاتی می باشد. مدل آنها از سه قسمت اصلی تشکیل شده است. آنها همه عوامل اجتماعی آدیا و کایسر را حفظ کرده اند، اما کلیشه ها را به کلیشه های جنسیتی و کلیشه های ICT تقسیم کرده اند. آنها برای عوامل ساختاری، برنامه درسی و تدریس را اضافه کرده اند. آنها همچنین فاکتورهای تفاوت فردی آدیا و کایسر را ارتقا داده و آن ها را یکی از اجزاء مهم سوم قرار داده اند - برچسب زدن آن بر اساس ویژگی های فردی - که با دنبال کردن ساختار زیر صورت می گیرد: تفسیر تجارب؛ شخصیت و استعداد؛ اهداف و خودطرحواره ها؛ و ارزش کار ذهنی. سپس این سه جزء اصلی، به عنوان موجودی در بافت فرهنگی مجددا بیان می شوند (در تقابل با برچسب فرهنگ قومی استفاده شده توسط آدیا و کایسر). فرمت دیگر مدل آدیا و کایسر، کلیتون و همکاران می باشد که چارچوب خود را برای مطالعه مداخله عدم تعادل جنسیتی، به جای مستندسازی آن، مورد استفاده قرار داده اند. انجام این کار، ارزش را نه تنها به لحاظ تحقیق نظری، بلکه از لحاظ مداخلات نظری نشان می دهد.

در نهایت، ریمن اشنايدر، آرمسترانگ، آلن و رید (2006) از نقشه برداری علی برای تجزیه و تحلیل متن از گروه های متمرکز و مصاحبه با زنان مشغول به کار سیستم های اطلاعاتی در دفتر مرکزی شرکت های بزرگ

ایالات متحده از یک سازمان تولیدی با فورچن 500، استفاده کردند. مدل حاصل از عوامل موثر بر گردش مالی داوطلبانه زنان شامل موارد زیر می باشد: موانع مرتبط با ارتقاء (تفاوت های موجود در معیارهای ارتقا میان کارکنان زن و مرد شاغل در سیستم های اطلاعاتی)؛ تبعیض (به عنوان مثال نگرش های مردان شاغل در مدیریت، ایجاد تبعیض)؛ عدم انسجام (به عنوان مثال مصرف ناهماهنگ از فرصت های آموزشی، نرم افزار متناقض با سیاست های سازمانی)؛ استرس مرتبط با ویژگی های کار از جمله تداوم در تماس و داشتن مهلت ثابت و با «عجله» برای انجام کار؛ مسئولیت مدیریت خانواده (به عنوان مثال کودکان، مسئولیت های خانه، به اشتراک گذاری مسئولیت با همسر)؛ انعطاف پذیری برنامه کاری (به عنوان مثال وجود سیاست های انعطاف پذیر کاری که به یک کارمند اجازه می دهد تا از کسب و کار شخصی خود در طول ساعات عادی کار محافظت کند)؛ و کیفیت های کاری (به عنوان مثال فرصت برای یادگیری مهارت های جدید). این مدل توسط تیم تحقیقاتی آرمسترانگ، ریمن اشنایدر، آلن و رید (2007) استفاده شد.

4. بحث

نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل ادبیات انتقادی نشان می دهد تعداد قابل توجهی از تحقیقات سیستم های اطلاعاتی و جنسیت، به طور واضح از نظریه جنسیت مطلع نمی باشند. اگر تئوری، یک موضوع در پژوهش سیستم اطلاعاتی باشد، به همین دلیل هم نظریه های جنسیتی نیز باید در تحقیقات سیستم های اطلاعاتی و جنسیت مطرح باشد. پس چرا برخورد صریح و روشنی در مورد نظریه جنسیتی در خیلی از پژوهش های سیستم اطلاعاتی و جنسیت وجود ندارد؟ یک احتمال این است که «جنسیت» به صورت یک متغیر جفتی در نظر گرفته می شود، چیزی که به آسان در یک بررسی مدنظر قرار می گیرد و نتایج در مورد آن، نیاز به هیچ تئوری برای تفسیر کردن ندارد. از آنجا که همه انسانها با جنسیت مرتبط هستند (به موجب هویت جنسی و جهت گیری جنسی خود) ممکن است این فرض در نظر گرفته شود که هر کسی قادر به جمع آوری و تفسیر داده های مربوط به جنسیت بدون نیاز به یک نظریه، می باشد. احتمال دیگر این است که این نویسندگان از وجود نظریه های جنسیت و نظریه های سیستم اطلاعاتی و جنسیت بی اطلاع می باشند. این توضیح، فرض

می کند که محققان جنسیت این موضوع را در مرحله پیش نظری در زمینه سیستم اطلاعاتی در نظر می گیرند، در حالی که وجود کار، به بیش از 20 سال پیش برمی گردد. این بخش، برخی از پیامدهای این یافته ها در مورد رویکرد به نظریه موجود در تحقیقات سیستم اطلاعاتی و جنسیت در نظر گرفته و برخی پیشنهادات برای تحقیقات آینده را دنبال می کند.

پس زمینه لازم برای در نظر گرفتن مفاهیم و توصیه های آن، برای پاسخ به دو سوال زیر می باشد: چرا تحقیق بر روی جنسیت به مطالعات درباره رابطه بین سیستم های اطلاعاتی و سازمان ها مربوط می شود؟ و چرا تحقیقات بر روی جنسیت و سیستم های اطلاعاتی نیاز به نظریه جنسیت دارد؟ پاسخ به سوال اول این است که تا آنجا که جنسیت یک ویژگی کاربران IT و متخصصان سیستم های اطلاعاتی می باشد، هم چنین یک عامل مناسب برای لحاظ کردن در پژوهش های سازمانی و سیستم اطلاعاتی می باشد. با این حال، این موضوع می تواند یک فاکتور نامناسب برای لحاظ کردن جفتی بودن جنسیت بوده و همواره تفاوت های جنسیتی در راه های یکسانی که در طبقه اجتماعی - اقتصادی و یا زمینه های آموزشی ممکن است نسبت به پژوهش برجسته باشد یا نباشد، حساس و برجسته می باشد (اما شاید جنسیت شامل طبقه و یا پس زمینه آموزشی بیشتری باشد که به دلیل این می باشد که برای تصرف، ساده تر به نظر می رسد). این مشاهدات منجر به پاسخ دادن به سوال دوم می شود: تئوری برای کمک به تفسیر پژوهشگران و درک داده های پژوهشی مورد نیاز بوده و یافته های مفید برای تمرین های بعدی را فراهم می کند. از این رو، نظریه جنسیت ممکن است برخی از موارد جنسیتی را نشان دهد که برجسته نبوده و عوامل دیگر (مانند قدرت) در نظر گرفته می شوند. نظریه جنسیت (به خصوص با تمرکز بر باور متقاطع) می تواند نکات دقیق و ظریف بیشتری را مدنظر قرار داده و در برگیرنده برخی از افرادی شود که از طریق تحمیل جفت بودن جنسیت نامرئی شده اند. در نهایت، نظریه جنسیتی در تحقیقات سیستم اطلاعاتی موردنیاز می باشد تا از این طریق وانمود کند جنسیت مورد مطالعه به دلیل قرارداد علمی تحقیقات سیستم اطلاعاتی برای تئوری پردازی صریح موضوع مورد مطالعه، مورد نیاز می باشد.

یکی از مفاهیمی که برای تحقیق این است که یک پیکره افزایشی برای صراحت، فعالیت سیستم اطلاعاتی و جنسیت که از لحاظ نظری مطلع باشد، نحوه کار کردن ما با آن، نقد ساخت و گسترش تحقیق، وجود ندارد. چگونه دانش ما در مورد این موضوع رشد و توسعه می یابد؟ حتی وقتی که بررسی برخی از پدیده ها، برخی یافته های غیر منتظره در مورد جنسیت را نشان می دهد، این موضوع هم برای تفسیر و معنابخشی به این داده ها در تئوری مهم می باشد. در عوض، با توجه به آنچه در بالا به آن اشاره شد، آنچه که اغلب به نظر می رسد این است که نظریه پردازی ضمنی داده های جنسیتی بر اساس کلیشه های جنسیتی بررسی نشده است. مفهوم این کار این است که مداخلات و رفتار مدیریت سیستم اطلاعاتی بر اساس مسائل ضمنی بوده و هیچ نظریه پردازی جنسیتی توسط فرضیات جنسیتی که می تواند بیشتر از خوب بودن، آسیب زننده باشد، هدایت نمی شود. به عنوان مثال، یک یافته از تفاوت های جنسیتی (بر اساس فرض کردن جفت بودن جنسیت) در نیروی کار و یا اتخاذ فن آوری و یا استفاده از فن آوری را در نظر بگیرید که از وضعیت کلیشه های جنسیتی بیشتر از تئوری جنسیت برای تفسیر، استفاده می کند. در بهترین حالت، ممکن است شیوه های مدیریتی بی فایده بوده و در بدترین حالت می تواند وضعیت را به تبعیض آمیز تبدیل کرده تا جایی که این کلیشه های مضر را تشدید کند. بنابراین، به منظور رسیدگی به مسائل مشخص شده در این تجزیه و تحلیل ادبیات، برخی از توصیه ها برای تحقیقات سیستم اطلاعاتی و جنسیت در اینجا ارائه شده است.

اول اینکه، در حال حاضر موجودیت کافی از پژوهش های سیستم اطلاعاتی و جنسیت برای حرکت فراتر از تحقیقات سیستم اطلاعاتی و جنسیت که صرفاً توصیفی می باشد، وجود دارد که به لحاظ نظری مطلع بوده و بیشتر به صورت تجزیه و تحلیل می باشد. در حال حاضر، بخش قابل توجهی از تحقیقات سیستم های اطلاعاتی و جنسیت به صورت تئوری و یا ضمنی نظری می باشد. اما حتی پژوهش هایی که به صراحت جنسیت و یا تئوری سیستم اطلاعاتی و جنسیت مورد استفاده قرار می دهند، تا حد زیادی توصیفی بوده و تفاوت های جنسیتی (باینری) را در حرفه سیستم اطلاعاتی و یا استفاده از IT مستند می سازد. برخی از این دست آوردها از طریق روش شناسی و معرفت شناسی می باشد: مطالعات کمی و پوزیتیویستی که در درجه اول بر آزمایش

یک فرضیه در مورد وجود یا عدم وجود تفاوت های جنسیتی جفتی متمرکز شده است. اما اگر ما در این زمینه و در درک خود از جنسیت پیشرفت داشته باشیم، نیاز به فراتر رفتن از توصیف ساده داریم (به عنوان مثال زنان به این شکل رفتار می کنند و مردان به شکل دیگر رفتار می کنند) که منجر به کلیشه های سطح گروهی شده (به عنوان مثال تمام مردان از این طریق با فن آوری در ارتباط بوده و همه زنان از روش دیگر با فن آوری مرتبط می باشند) و شامل تجزیه و تحلیل دقیق تری از پدیده می باشد. برخورد صریح با تئوری های جنسیتی نیازمند انتظار داشتن از پژوهش سیستم اطلاعاتی و جنسیت می باشد. برای این کار، ما می توانیم نظریه های جنسیتی را از منظر مطالعات زنان و جنسیت (و سایر زمینه هایی که با گروه های کمتری برخورد دارد) و از طریق یک راه مشابه با ورود سیستم های اطلاعاتی از تئوری های رفتار سازمانی، مدیریت عمومی و جامعه شناسی، مدنظر قرار دهیم. همچنین همانطور که در بخش قبلی توضیح داده شد، می توانیم بر مبنای تئوری های سیستم های اطلاعاتی و جنسیت، موارد فعلی در زمینه سیستم های اطلاعاتی را ایجاد کنیم.

این موضوع منجر به توصیه دوم می شود. این موضوع باعث تنوع بیشتر روش شناسی و معرفت شناسی در پژوهش های سیستم های اطلاعاتی و جنسیت که در مجلات منتشر شده اند، می شود. ما نیازمند ایجاد بدنه موجود خود از تحقیق و حرکت عمیق تر به سمت تحقیقات سیستم های اطلاعاتی و جنسیت داریم (تراث، 2011). ما به منظور فراتر رفتن از مستندات تفاوت های جنسیتی، عدم تعادل جنسیتی و یا شواهدی از تعصب جنسیتی، نیاز به استفاده از روش ها و معرفت شناسی هایی داریم که ما را قادر سازد تا عوامل موثر در این مشاهدات در نظر بگیریم. این به این معنی است که ما باید هم روش های کمی و کیفی و هم معرفت شناسی تفسیری و انتقادی و همچنین موارد مثبت آن ها را در نظر بگیریم. در حالی که تحقیق کمی و پوزیتیویستی برای مستندات موجود جنبه های روابط جنسیتی در زمینه سیستم اطلاعاتی، جنسیت تفسیری و تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، ارزشمند می باشد درک دقیق تری از این روابط جنسیتی را ممکن می سازد و استفاده از معرفت شناسی انتقادی به منظور بررسی سیستم اطلاعاتی و جنسیت، محقق را قادر می سازد تا برای فرضیات موجود در مورد روابط جنسیتی سوالاتی طرح کند. بنابراین تحقیق، با به کارگیری جنسیت تفسیری و

انتقادی و تحقیقات سیستم اطلاعاتی، درک ما از جنسیت و سیستم اطلاعاتی و چگونگی روابط موجود جنسیتی و همچنین دلیل وجودی برای انجام آنها را افزایش می دهد. ما همچنین نیاز به شناخت این موضوع داریم که «تحقیقات جنسیتی» به پژوهش «تفاوت های جنسیتی» محدود نمی شود. در واقع، گاهی اوقات یافته های مهمی که در پژوهش های جنسیتی وجود دارد هیچ تفاوت جنسیتی معناداری مشاهده نمی شود که به عنوان مثال، در مورد مطالعه کوهن و جوشی (2009) کلیشه های معمول برگزار شده در مورد کار مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، درک عمیق تر از جنسیت و سیستم های اطلاعاتی می تواند نتیجه مطالعات درون جنسیتی تنها گروهی از زنان و یا تنها مردان و یا تنها لزبین ها باشد.

توصیه سوم این است که این موضوع به طور کامل شامل پژوهش های سیستم های اطلاعاتی و جنسیتی می باشد. ما برای این کار، باید مفهوم جنسیت در تحقیقات خود را تا حد باور جنسیتی و اقلیت های جنسیتی گسترش دهیم. فقط به عنوان نمونه در حوزه مطالعات جنسیتی مفهوم جنسیت، راه های متنوع تری نسبت به بیولوژیک ساده، مبتنی بر جنس، جفت بودن جنسیت وجود دارد به همین دلیل باید تحقیقات سیستم های اطلاعاتی و جنسیت باشد. یکی از پیامدهای استفاده از نظریه پردازگی جنسیتی ضمنی به جای صریح در تحقیقات سیستم های اطلاعاتی، گرایش به وارد کردن طبقه بندی جفت بودن به تمام افراد می باشد. با توجه به این فرضیه ذات، همه افراد را می توان به یکی از دو گروه زیر طبقه بندی کرد: مردانه یا زنانه. اما به طور ضمنی، جنسگرایی گوناگون در این موضوع وجود دارد. طبقه بندی جفتی، اقلیت های جنسیتی (به عنوان مثال همجنس گرایان، دوجنس گرا، فراجنسیتی) و یا کسانی که دارای ویژگی های هویتی حداقلی می باشند (اقوام اقلیت، از کار افتادگی و غیره) یا به رنگ سفید، طبقه متوسط، جنسگرایی گوناگون و یا نامرئی بودن را ایجاد می کند. در بسیاری از موارد، «جنسیت» در تحقیقات سیستم های اطلاعاتی به صورت طبقه متوسط، جنس مخالف و زنان سفیدپوست فرض می شود. از این رو، مفهوم جنسیت که شامل مردان، زنان غیرسفید پوست و جنسیت های اقلیت و هویت های جنسیتی می شود امکان ارائه بیشتر و دانش متنوع تر را فراهم می کند. در نهایت، آشنا شدن با مفهوم معاصر جنسیت، شامل خواندن ادبیات فمینیستی و نظریه می باشد. منفعت مطالعات

سیستم های اطلاعاتی و جنسیت علاوه بر بینش ارزشمند نسبت به روابط جنسیتی، در زمینه سیستم های اطلاعاتی نیز خواهد بود.

5. نتیجه گیری

همزمان با هر جنبه ای از تحقیقات در زمینه سیستم های اطلاعاتی، تجزیه و تحلیل جنسیت و سیستم های اطلاعاتی هم باید تئوری جنسیت را به کار گیرند. این می تواند به معنای وارد کردن یک نظریه فمینیستی باشد. این می تواند به معنای به کارگیری و یا تطبیق یکی از نظریه های جنسیت و سیستم های اطلاعاتی باشد که در ادبیات سیستم اطلاعاتی در حال ظهور می باشد. یا می تواند به معنای توسعه نظریه جدید با استفاده از روش های حیطه تئوری باشد. در زمینه سیستم اطلاعاتی و به منظور انجام تحقیقات نظری که هدف تحلیلی و تبیینی می باشند، باید فراتر از مطالعات توصیفی حرکت کرد. برای انجام این کار، تئوری جنسیت یا تئوری جنسیت و سیستم های اطلاعاتی باید به صراحت با متد خاصی همراه شوند: برای اطلاع رسانی و طراحی جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آن ها، برای اطلاع رسانی تفسیر یافته های جنسیتی و یا برای توصیف تجزیه و تحلیل مبتنی بر داده ها. به منظور فراتر رفتن از سطح توصیف، لازم است طیف گسترده ای از روش های پژوهشی - روش شناختی و معرفت شناختی - در هدایت تحقیقات جنسیتی و سیستم های اطلاعاتی به کار گرفته شوند. در نهایت، اعتبار تحقیقات جنسیت و سیستم های اطلاعاتی فراتر از زمینه سیستم های اطلاعاتی، مستلزم آن است که مفهوم جنسیت در تحقیقات ما، نشان دهنده درک درستی از ادبیات معاصر مرتبط با جنسیت باشد.

برای اعتباربخشی به استدلال های ارائه شده در این مقاله، خواننده به در نظر گرفتن پرسش های زیر دعوت شده است. به عنوان یک نویسنده، آیا ما به راحتی می توانیم داده هایی در مورد ویژگی های دیگر هویت مانند نژاد، قومیت، معلولیت یا مذهب جمع آوری کرده و سپس این نتایج را در شرایط عدم وجود تئوری هدایت کننده، با تکیه بر کلیشه های گرفته شده از رسانه ها و نگرش های شخصی خود و تجربیات، تفسیر کنیم؟ به عنوان مشاهده کننده و سردبیر، آیا ما به راحتی می توانیم چنین تحقیقاتی را منتشر کنیم؟ شواهد منتشر شده

از پژوهش های منتشر شده سیستم های اطلاعاتی نشان می دهد که جواب این است: «نه». بنابراین، این مقاله استدلال می کند باید انتظارات و هنجارهای یکسانی برای انجام و انتشار تحقیقات جنسیتی اعمال شود. ما برای حرکت به سمت جلو، نیازمند به کارگیری تئوری جنسیتی که ناشی از مدل ها و چارچوب های توسعه یافته در زمینه سیستم اطلاعاتی و یا موارد وارد شده از مطالعات زنان، مطالعات مردانگی، مطالعات جنسیت و بخش های دیگر مطالعات جنسیتی می باشد. از آنجایی که تئوری مناسب وجود ندارد، می توانیم از تئوری پایه برای تعمیق درک خود از پدیده ها استفاده کنیم. درک نظری بهتر از جنسیت و سیستم اطلاعاتی نه تنها منافی برای تحقیق و فعالیت های مرتبط با جنسیت دارد، بلکه به درک بهتر از گروه های کوچک تر و به حاشیه رانده شده، روابط قدرت و به طور کلی شمول اجتماعی در این زمینه کمک می کند.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی